

آموزش چند منظوره تعاونی

(قسمت سوم)

سرمایه گذاری تخصصی و نقش آن در توسعه انسانی

دکتر میرهادی زاده

در چند مبحث گذشته آموزشهای چند منظوره، مطالبی از قبیل: دفاع از ارزشهای تعاونی بر پایه محسوسات و واقعیت های جاری و آموزش فراگیر برای اعضا و مدیران شرکت های تعاونی و ضرورت های آن، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و همکاران ما نیز مباحثی در «متدولوژی آموزش تعاونی» و «ویژگی های اجتماعی آموزش ها» بدان افزودند. و مسائل فنی را به شایستگی شکافته اند که رویکرد مطلوبی به تفهیم روشها بوده است. مدیریت ماهنامه نیز در این زمینه، تعاون علمی را پذیرفته است که مزید سپاس است.

از آنجا که دارایی بالقوه هریک از شرکتهای تعاونی، نیروی انسانی شاغل در آن می باشد، لذا سرمایه گذاری در توسعه منابع انسانی مانع از ورود خدمات مشورتی و تخصصی بیگانه می شود و سلامت محیط اقتصادی و اجتماعی نیز با تکیه بر فرهنگ ملی تعاون حفظ می گردد.

۲ - ۲۲ بهمن و جامعه نوین با شبکه عظیم انسانی.

تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی ایران، آموزش عالی کشور، تربیت کاردان و کارشناس ارشد تعاون را به هیچ روی در برنامه ریزی فرهنگی منظور نکرده و سرمایه گذاری با هدف توسعه انسانی را نادیده انگاشته بود، تا سیاست و اقتصاد جامعه متکی بر جهان بینی غرب ادامه یابد.

منتقدین احتمالی نیز به شدت سرکوب می شدند. انقلاب بیست و دوم بهمن با گسترش زمینه های آموزش تخصصی، توجه ویژه به یک نیاز واقعی جامعه را ضرورت بخشید و نهادهای آموزشی با شناخت نیازهای بخش های اقتصادی، توسعه مراکز آموزشی و پژوهشی را در سراسر کشور امکان پذیر ساختند. ولی آموزش های مداوم و پایه ای هنوز بیشترین

تفسیرهای خودشان از دیدگاه تعاون، اشاراتی داشته باشند و نظر به اینکه موضوع، همخوانی بیشتری با سیاستهای اجرایی بخش تعاون دارد از جهات زیر قابل دفاع است:

اول اینکه توسعه انسانی به گسترش عرصه انتخاب مردم و بهره مندی همگان از آزادهای سیاسی- اجتماعی و اقتصادی می پردازد.

دوم اینکه به مسائل اشتغال نیروی انسانی با تکیه بر دانش ها و تخصص های حرفه ای که از هدفهای اساسی است توجه دارد. سوم اینکه حمایت از برابری امکانات و شرایط زندگی و بهره مندی مطلوب از کار مولد را برای بهزیستی، مورد تاکید قرار می دهد.

این چند مورد با گزینه از عمده ترین هدفهای تعاون و همیاری است.

توسعه انسانی مقوله ای است که مسائل توسعه اقتصادی و اجتماعی در درون آن مطالعه می شود. دو صفت بارز توسعه در ارتباط نخستین با مبحث تعاون: دستیابی بسه دانش های حرفه ای و تخصصی و همچنین به دست آوردن سهم شایسته از توزیع درآمد ملی است و این دو صفت مکمل یکدیگرند.

نوشته حاضر مسئله را از بعد انقلاب فرهنگی ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷، اشتغال در بخش تعاون، ضرورت های سرمایه گذاری تخصصی، امکانات و محدودیت های حال و آینده تعاون را مورد نقد و بررسی قرار می دهد.

۱ - تعاون و توسعه انسانی

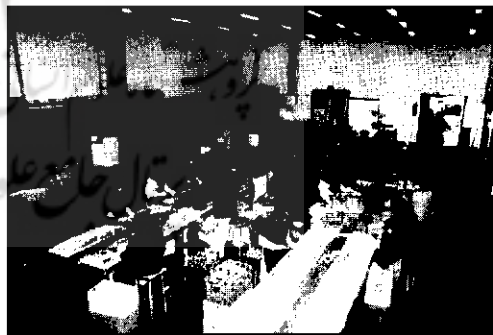
مفهوم توسعه انسانی را نظریه پردازان بمسائل توسعه، ابراز کرده اند، بی آنکه در

تعهد جدی بخش تعاون، به وجود آوردن مدیریتی پایبند به فراگرد توسعه، پیگیری آموزش توأم با تحقیقات تعاونی، نگاهداشت سطح پس انداز برای سرمایه گذاریهای بلند مدت در سطح بالاتر، بها دادن به تفکر علمی و تعقیب سیاستهایی متضمن حداکثر همکاری با دولت است.

ویژگیهای تجربی و اعتقادی است. تعاونگران بخش تعاون در گروه های سنی بالا، ترکیبی از مدیران دستگاههای اجرایی، شرکتهای دولتی (که عمدتاً بازنشسته اند) و تعدادی از دانش آموختگان جوان و مشتاق را در بر می گیرد که آموزش و توسعه امور تعلیمات حرفه ای تعاونی را برعهده دارند و راهنمای آنها مواد قانونی و مقررات است. بنابراین تعاون در نظام تخصصی غیر درون زنا تا کنون به راه خود ادامه داده و چیزی از درون مایه نداشته و یا کمتر برای سرمایه گذاری کرده است. این مختصر، بیانگر ضرورت های سرمایه گذاری دستیابی به سرمایه انسانی و نتیجتاً مزیت نسبی برای نیروی کار تعاونی است که می باید در به کارگیری صحیح امکانات تعاونی اهتمام ورزند. پائین بودن تعداد آنان در این بخش به این معنی است که برنامه ریزی های تعاونی در دستگاههای دولتی انجام گرفته و بخش تعاون نقش مستقل در نوآوری ها نداشته است.

تحول در این زمینه از مسئولیت های نظام آموزش عالی است که می باید سرمایه بری هر شغل تخصصی برحسب هر بخش را مشخص و اعلام نماید و شاخص آن را از نسبت افزایش سرمایه گذاری به افزایش سطح اشتغال بخشی، تعیین کنند. چنانچه برای بخش های تولیدی و خدماتی معمول است. قدر مسلم آنکه سرمایه گذاری فنی در بخش تعاون، به نسبت

معادل بررسی فرهنگ اشتغال و نقش آن در تحولات آتی اقتصادی و اجتماعی است. این تعبیر صرفاً در بُعد کیفیت کاربرد دارد و بُعد کمی یعنی تحول ارقام اشتغال و بیکاری و همچنین بار تکفل افراد شاغل را در بر نمی گیرد. در بُعد کمی همین قدر لازم به یادآوری است که بر پایه آمارگیری نفوس در سال ۱۳۷۵، مزد و حقوق بگیران بخش تعاونی که برای نخستین بار در سال ۱۳۷۵ برآورد شده - ۰/۴ درصد، بخش خصوصی ۶۷/۲ درصد و بخش عمومی و متفرقه ۳۲/۴ درصد بوده است و از کل گروه های عمده شغلی (۱۰ گروه) یعنی گروه شاغلین متخصص (علمی، فنی و تخصصی) حدود ۱۱/۹ درصد بوده و نسبت به سال ۱۳۴۵ بیش از ۸/۹ درصد



افزایش یافته است. یعنی در طول یک نسل و تا سال ۷۵ حدود ۹/۶ درصد افزایش در کادر تخصصی کشور مشاهده می شود! اما این مطلب که چه سهمی از این نسبت ها در بخش تعاون فعالیت می نمایند، آمار و ارقامی وجود ندارد.

صرفنظر از این واقعیت های آماری، تخصص ها در بخش تعاون، دارای

گرایش را به صنایع خصوصی و خدمات دارد تا به اقتصاد تعاون، یعنی بخش عمده ای از شبکه عظیم انسانی کشور که هدف رفاه اجتماعی در پرتو امنیت اقتصادی را پیش رو قرار داده است، محرومترین بخش های اقتصادی جامعه از نظر بهره گیری از تحولات علمی و فنی است، ولذا کارایی آن چندانکه حاصل فن آوری و مدیریت و تخصص های آن باشد، زیر سؤال است. این محرومیت عمدتاً ناشی از نسبت بسیار پایین سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی کشور و تبعاً اثرگذاری آن بر معیارهای مورد نیاز توسعه انسانی است. مگر آنکه با استناد به گفتارهای وزیر محترم آموزش عالی در نخستین همایش برنامه های آموزشی، فنی و مهندسی: «به سرعت گرفتن تولید دانش، با ثبات بیشتر» در بخش های تولیدی، اجتماعی و غیره و اصلاح ساختار برنامه ریزی آموزش عالی در برنامه های توسعه امیدوار باشیم.

تأپیش از انقلاب ۲۲ بهمن، جامعه تعاونی ما فاقد شبکه عظیم انسانی بود، تا سیاست ها و اقتصاد ملی ما متکی بر جهان

بینی غرب استمرار یابد. لذا این شبکه عظیم انسانی بخواست انقلاب اسلامی، عملاً بوجود آمد رفاه اجتماعی و امنیت را پیش رو قرار داد.

۳- توسعه انسانی و اشتغال در بخش تعاون

مسائل توسعه انسانی از بُعد اشتغال

۱- گفتار ۱۳ آبانماه ۱۳۷۷ - دانشگاه تهران

آمیز تعاون محدود است. به این مناسبت، بخش تعاون به گذرگاه نیروی انسانی به سوی خدمات و صنایع تبدیل شده و در نتیجه، به طور غیرمستقیم بخش های دیگر اقتصادی را نیرو می بخشد. شاید این جریان، تنها دستاورد تعاون از توسعه انسانی باشد و در صورتی که با تولید دانش ها و مهارت ها هماهنگ گردد، نقش ارزنده تری در سلامت محیط کار و اشتغال ایفا خواهد کرد.

با اینهمه، جریان یاد شده محدود به انتقال نیروی انسانی شاغل در رشته های تولیدی است. لذا این جابجایی ها عرفاً مسئله حادی نمی باشد، چنانکه هم اکنون تعاونی های روستایی به تعاونی های تولید روستایی تبدیل می شوند و تعدادی نیز به سایر رشته های غیر کشاورزی نقل مکان می نماید. به نظر چنین می رسد که استمرار فعالیت نیروی انسانی در هر رشته تعاونی به لحاظ جنبه های اجتماعی تعاون و شباهت آن به بیمه خطرها که از هر نظر امنیت خساطری برای خانوارهای عضو پدید می آورد، قابل پیش بینی است، به ویژه آنکه دولت نیز از هرگونه سرمایه گذاریهای جمعی قویاً حمایت می کند و اولویت آن نیز با سرمایه گذاریهای بخش تعاون می باشد و نه با سرمایه گذاریهای خصوصی (سهامی عام). در این زمینه ضروری است که وضع تعاون در افق سال ۱۴۰۰ نیز بررسی گردد.

۵ - تعاون در افق سال ۱۴۰۰ (ه. ش)

برابر محاسبات مبتنی بر ارقام سرمایه گذاری ناخالص، سهم سرمایه گذاری های ثابت در شرایط فعلی برای بخش های اقتصاد کشور حدود ۱۶/۸ درصد تولید ملی است. حرکت کلی رشد اقتصادی تا سال ۱۴۰۰، سهم سرمایه گذاری از تولید را به مرز ۳۳ تا ۳۷ درصد خواهد رساند که معادل سهم کشورهای نوحاسته و صنعتی



قدر مسلم آنکه سرمایه گذاری فنی در بخش تعاون، به نسبت افزایش فعالیت های تخصصی در تولید و خدمات تعاونی، در آینده از هر نظر اهمیت خواهد داشت و جزو یکی از متغیرهای بازار نیروی کار به حساب خواهد آمد

۴ - منابع مالی و محدودیت آن برای برنامه توسعه انسانی

منابع مالی بخش تعاون ترکیبی از مانده حسابها و اعتبارات نظام بانکی به شرح زیر است:

- ۱ - مازاد سود فروشگاههای مصرف و ذخایر قابل تبدیل به سرمایه ثابت.
- ۲ - سهم مشارکت ها از عملیات بازرگانی اتحادیه های تعاونی در امور تولید و توزیع کالاها و خدمات.
- ۳ - اعتبارات پارانه ای تبصره ۴ قانون بودجه و اعتبارات مدت دار بانکها.
- ۴ - سرمایه انباشته اعضا شرکتها و ارزش دفتری آن (سرمایه و ذخیره).

مجموع ارقامی که از عملیات اقتصادی به عنوان درآمد درونزا حاصل می شود، تا در جریان همبسته سرمایه گذاری فرهنگی و توسعه انسانی بکار افتد، پاسخگوی نیازهای شبکه عظیم تعاونی نبوده است. اعتبارات تکلیفی و غیر تکلیفی نظام بانکی نیز برای حفظ موجودیت و مواضع رقابت

افزایش فعالیت های تخصصی در تولید و خدمات تعاونی، در آینده از هر نظر اهمیت خواهد داشت و جزو یکی از متغیرهای بازار نیروی کار به حساب خواهد آمد. هر چند که در شرایط فعلی بازار نیروی کار زیر عنوان بخش خصوصی به اطلاق عام، مطالعه می شود و بخش تعاون توجه پژوهشگران را به خود جلب نکرده است. در حالیکه انتظار و توقع ایجاد فرصتهای شغلی از بخش تعاون روز به روز افزایش می یابد و اصولاً بخش تعاون به عنوان بازار کار مستقل شناخته می شود ولی عملاً چنین نبوده است.

- طی یک نسل گذشته، سرمایه گذاری در تخصص های تعاونی و یا سرمایه انسانی واقعی، صورت نگرفته و لذا سهم بسیار پایینی دارد. بر نظام آموزش عالی است که سرمایه بری هر شغل تخصصی را بر حسب بخش تعاون مشخص نماید چرا که در آینده، بازار نیروی کار تعاونی جزو یکی از متغیرهای کلان خواهد بود.

با تحول ریشه‌ای در وظایف گذشته دولت،

مشارکت‌های مردمی در به‌کارگیری منابع مادی و معنوی همراه با افزایش حجم پس‌اندازها و ارتقا سطح تکنولوژی، عوامل و منابع اصلی رشد اشتغال و رشد درآمد سرانه بشمار خواهد آمد.

واسطه‌های بازرگانی در اختیار داشته باشد و برای توسعه‌های اجتماعی پروژه‌هایی طرح ریزی کند و شرایط اجرای آنها را روشن و شفاف ساخته، به جامعه تعاونی عرضه و در معرض بحث و انتقاد آزاد قرار دهد.

بدین‌گونه است که جامعه تعاونی مشارکت مستقیم در برنامه‌های توسعه ملی را بدست آورده و از اعتماد دولت و مردم در بیشترین ایام بهره‌مند می‌گردد. این گامهای اساسی در مجموع، عناصر تشکیل دهنده وظایف تعاون در جهت مشارکتهای سیاسی است که از باز سنگین دولت می‌کاهد.

برای گسترش کمی و کیفی تعاون، دولت تعهدات خود را اعلام داشته است. بخش تعاون متقابلاً باید پاسخگویی مشارکت مؤثر بر اساس اصول اولیه و بنیادی تعاون در برنامه ریزی رشد اقتصادی، فرهنگی، رفاهی و سیاسی باشد.

لازم به توضیح است که بخش تعاون برپایه اصول قانون اساسی در امور سیاسی مستقیماً مشارکت می‌نماید و نه برپایه فشار و به قیامت از دست دادن وفاداری و مشارکت داوطلبانه اعضا، چرا که مشارکت هم به سود اعضا و هم برای تحکیم وحدت و استواری نظام و قانون است. بنابراین در جهت تعمیم عدالت اجتماعی و اقتصادی است. ■

توأم با تحقیقات تعاونی، نگاهداشت سطح پس‌انداز برای سرمایه‌گذاریهایی بلند مدت در سطح بالاتر، بها دادن به تفکر علمی و تعقیب سیاستهایی متضمن حداکثر همکاری با دولت است. در کنار این تعهدات می‌باید همکاری با شرکتهای و اتحادیه‌های درون و برون مرزی مشابه و یا بخش خصوصی را برای تولید و توزیع مشترک کالاها و خدمات، گسترش دهد. با اینهمه جریان رشد این دو دارای سه



جنبه اقتصادی، اجتماعی (فرهنگی - رفاهی) و سیاسی است و اصول تعاون ناظر بر آنها خواهد بود. بنابراین با شناخت موانع و مشکلات وضع موجود، که موانعی بر سر راه رشد و توسعه اقتصادی است، گسترش کمی و کیفی امکان پذیر خواهد شد. نتایجی که از مرحله شناخت حاصل می‌شود، می‌باید در سازماندهی آینده، جانشین‌ها و راه‌کارهای مؤثری برای آنها پیش‌بینی گردد. به عنوان مثال، راه‌حل‌هایی متنوع ضرورتاً برای رقابت با بخش خصوصی، و یا احتکارها و انحصارات و سودجوییهای

شده آسیای شرقی است و مسلم آنکه قابلیت جذب سرمایه و سرمایه‌پذیری در بخش تعاون نیز بایستی تابع آن باشد تا همپای توسعه صنعتی و کشاورزی گردد. نظر به اینکه سهم سرمایه‌گذاری، عامل اصلی رشد متوازن شناخته شده، همراه کردن مردم با شیوه‌های تفکر صنعتی و فکری هم ضرورت می‌یابد. برنامه دولت و هدفهای اعلام شده، بیانگر آنست که از نقش و سهم دولت در اقتصاد کاسته می‌شود و سیاستهای اجرائی معطوف به توسعه منابع انسانی (مهارتها و تخصص‌ها) و کاهش رشد جمعیت خواهد بود. همچنین سهم آموزش و تربیت نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری کل عوامل مورد توجه قرار گرفته است و بخش تعاون سهمی شایسته به دست خواهد آورد.

بنابراین، با تحول ریشه‌ای در وظایف گذشته دولت، مشارکت‌های مردمی در به‌کارگیری منابع مادی و معنوی همراه با افزایش حجم پس‌اندازها و ارتقا سطح تکنولوژی، عوامل و منابع اصلی رشد اشتغال و رشد درآمد سرانه بشمار خواهد آمد.

یکی از آخرین تدابیر دولت برای افزایش سهم تعاون در اقتصاد ملی با اصلاح ماده ۲۴ قانون تعاون، در ششم مهر ماه سال ۷۷، به این صورت اعلام شده است که «دولت موظف است با رعایت ضرورتها و در قالب برنامه رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، شرایط و امکانات لازم را برای گسترش کمی و کیفی تعاونی‌ها به گونه‌ای که این بخش، نقش مؤثری در رشد و توسعه اقتصادی ایفا نماید، فراهم آورد» یکی از موارد ضرورتها انتقال وظایف دولت به بخش‌های غیر دولتی است.

متقابلاً می‌توان پیش‌بینی کرد که تعهد جدی بخش تعاون، به وجود آوردن مدیریتی پایبند به فراگرد توسعه، پیگیری آموزش